

## در آستانه اول ماه مه سال ۱۴۰۰

یکشنبه های اعتراض بازنشستگان ، زحمتکشان دیروز و معترضان امروز؛  
"فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون!"

امیر جواهری لنگرودی



تقریباً روزی نیست که صدای زحمتکشان دیروز و معترضان امروز یعنی بازنشستگان سر فراز را در این جا و آن جای جغرافیای اعتراض ایران نشنومیم . سیمای آتش زنه بازنشستگان نه فقط در بازنشستگان تامین اجتماعی - نیروی لشکری و کشوری بلکه بازنشستگان کارگری- فرهنگی- فولادی- معدنی و بازنشستگان سخت و زیان آور متجلی است . این نیروها گاهها توامان و و گایه بشکل مشخص این جا و آنجا کف خیابان را نه تنها در کلان شهر تهران و یا در سطح استان های آذربایجان - اصفهان - مشهد - شیراز - کرمانشاه - کرمان - اهواز - بلکه در کرج - قم - قزوین - اراک - یزد - رشت - ایلام - خرم آباد - بجنورد- شوش دانیال و هفت تپه - کاشمر - نیشابور- بهشهر مازنداران - نوشهر - شوشتر- اندیمشک - زنجان - دزفول و.... به پیکار بی امان خود در سرما و گرما، برف و باران به نمایش درمی آورند!.

بازنشستگان دردل و متن جامعه ایران نه تنها برای وصول مطالبه خویش یعنی امر همسان سازی حقوق و بالا بردن مقرری ماهیانه خود در برابر گرانی و تورم افسارگسیخته کشور با تلاش و مبارزه گسترده ای که برای رهایی از مناسبات ضدانسانی حاکم بر خویشتن خویش می بینند، در نمایش مبارزات سریالی در برابر حاکمیت و به هیچ گرفته شدن حقوق اجتماعی و مسلم خود به ستیز می نشینند. جدا از این، اعتراض به دستگیری وزندانی نمودن فعالین و رهبران جنبشهای مطالباتی رابه یکی از پرچمهای اصلی اعتراضات خیابانی خود بدل نموده اند و هر یکشنبه و بخشا در شهرهای مختلف روزهای

دیگر را هم در خیابان اند. تحولات همین روزهای اندک از شروع سال ۱۴۰۰ نشان میدهد که سال جاری، سال تلاش جامعه برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی در کنار مبارزه عمومی و گسترده برای دفاع از امنیت شغلی و جسارت بخشیدن به بهبود معیشت و افزایش دستمزدها و رودررویی با حاکمیت برای مبارزه کشاندن آنها در مقابل سیاست خصوصی سازی و شرکت های پیمانکاری و سایر مطالبات خواهد بود و مجموعه این خواسته ها در شرایط سخت و سهمناک کرونایی در بطن مبارزه و مطالبات اول ماه مه امسال یازدهم اردیبهشت ۱۴۰۰، چنانچه در برابر تهاجم، بازداشت و زندان حاکمان به خیابان کشیده نشوند، دهن بازمی کنند و نمایی سال کارگران و زحمتکشان روستایی و شهری را به صفی واحد بدل می نماید.

بطوری که در اعتراضات اخیر و یکپارچه بازنشستگان در سراسر کشور، حضور معلمان و کارگران و دیگر اقشار مزد و حقوق بگیر در کنار یکدیگر نشان داد که تنها راه رهایی از شرایط سخت و اسفبار کنونی فریاد دادخواهی و اعتراض می باشد بطوری که ادامه اعتراضات مستمر بازنشستگان تامین اجتماعی، لشکری و کشوری، کارگران و فرهنگی و دیگران دست آورده هایی حداقلی بجا گذاشته که در سالهای گذشته هیچ پیگیری و نامه نگاری چنین دست آوردی نداشته است.

چنانچه بخواهیم روند مبارزه بازنشستگان گروه بندی های مختلف اجتماعی را دنبال کنیم برخلاف تصویر ساخته و پرداخته و رایج خبرگزاری های نظام و حتی رسانه های بزرگ جهانی همچون بی بی سی فارسی، خواسته اصلی بازنشستگان کارگری تنها همسان سازی حقوق و رفع تبعیض طبق ماده ی ۹۶ تامین اجتماعی است. صد البته خواسته ی " اجرای قانون" دارای سرشت نفی قانون زدایی تعدیل ساختاری حاکمیت است.

نگاهی به چند نکته از قدرت عمل بازنشسته ها مثلا جمعیت شرکت کنندگان و ضرباهنگ حرکت شان از طریق کاستن فرمسیون زمانی از پانزده روز یا ده روزیکبار به یکشنبه های اعتراض، نشان میدهد که ترس از تجمعات خیابانی باهمگانی شدن شعار: " تنها کف خیابون / به دست میاد حقمون" فروکاهیده یعنی عنصر ترس و محافظه کاری در بین بازنشستگان تقلیل پیدا کرده است.

دیگر اینکه شکل اعتراض نیز تغییر پیدا کرده است. شکل اعتراض تا قبل از سال جدید تجمع در مکان های ثابت بود. الان در مواردی به شکل راهپیمایی اعلان نشده همراه است. در تهران از جلوی مجلس میروند تا مقابل سازمان برنامه یا از جلوی وزارت کار در خیابان آزادی میروند تا مقابل سازمان تامین اجتماعی حرکت می کنند. عین همین حرکت در شوش هم دیده شده است.

نوعیت حرکت هم در سطح شهرهایی تغییر کرده است. نظیر آنچه در تبریز و رشت دیده شده است. در رشت مقابل دستگیری های صورت گرفته به اعتراض در کف خیابان

نشستند و مانع حرکت ون ها شدند و در تبریز به درون سازمان تامین اجتماعی رفتند و چندین ساعت آنجا را اشغال کردند و دو باره به خیابان بازگشتند . می توان گفت ؛ هر سطح تحول در شکل اعتراض محصول رادیکال شدن حرکت بازنشستگان است .

موضوع بعدی بازنگری حول شعارهای بازنشستگان است. تظاهرات ۱۵ فروردین همراه با شعارهای جدیدی بود که بیان گریزناز و نفرت بازنشسته های تامین اجتماعی و کارگری از تداوم قانون زدایی حاکمیت بود.

اینبار بازنشستگان در کنار شعارهای همیشگی شان از جمله :

تا حق خود نگیریم / از پای نمی نشینیم.  
بازنشسته می میرد / ذلت نمی پذیرد.  
فقط کف خیابان / به دست میاد حق مان.  
این همه بی عدالتی / هرگز ندیده ملت.  
خواستار بازنشسته / حقوق طبق تورم و . . .  
گرانی تورم بلای / جان مردم

در پانزدهم فروردین یعنی دوره جدی تحرکات سریالی ، به شعارهای جدید روی آوردند . شعار هایی که گویای بالا گرفتن خشم و نفرت بازنشستگان در برابر سیاسی تعدیل ساختاری و قانون گرایی و در برابر قانونزدایی عامرانه نظام طرح گردید . از جمله :  
فقر و فلاکت / دزدی و غارت  
حق طلبان زندانند / غارت گران آزادند  
دولت ورشکسته / دشمن بازنشسته  
نوبخت بیا پائین / بدبخت بیا پائین  
همسان سازی کجا رفت / تو جیب ز الوها رفت  
ولی به همین حد بسنده نکردند و مصادیق پرمضمون تری را برای سر ریز کردن ، مطالبات خویش در مضمون نه به انتخابات گه خود شعار های اختاری به حکیت است سر دادند از جمله :

از بس دروغ شنیدیم / دیگه رای نمی دیدم  
ما دیگه رای نمی دیم / عدالتی ندیدم  
بی عدالتی دیدیم / دیگه رای نمی دیم  
ما دیگه رای نمی دیم / از بس دروغ شنیدیم  
مرگ بر دروغ گو.  
کارگر زندانی / آزاد باید گردد.  
اسماعیل گرامی / آزاد باید گردد .

ادای همین شعارهای ساده و فکر شده بازنشستگان (از بس دروغ شنیدیم / ما دیگه رای نمی دیم ) که به زبان های مختلفی و در فواصل حرکت های دیگر اجتماعی و اعتراضی خیابانی شنیده است ، بیان این واقعیت است که ؛ رهایی اجتماعی محصول جمع بندی گام به گام

عمل جنبش های اجتماعی واقعا موجود است نه محصول ایده های ناب مجرد مجموعه بازیگران با نقاب وبی نقاب جناح های حاکمیت که در میان بازنشستگان مطالبه گر، عملکردشان نخ نما شده و هیچ جایی ندارند. امروز طرح شعار: " تهدید وزندان دیگه اثر ندارد" ، نمای واقعی نمایش قدرتی است که که یک سوی آن بازنشستگان مستقل و دیگر سوی آن، همه سوداگران حاکمیتی ایست که بیش از چهاردهه برهستی و جان ، امنیت شغلی کارگران پای گذاشته اند !

در برابر پیشرفت وجوه یاد شده فوق از جانب بازنشستگان، در مقابل شکل برخورد حاکمیت هم تند تر و سرکوب گرانه تر شده است. پیشتر ما شاهد این بودیم که در جمع سراسری ۱۷ اسفند بازنشستگان آقایان اسماعیل گرامی - اسد مفتاحی دستگیر شده و کامیار فکور روزنامه نگار که به گفته شاهدان عینی، ماموران امنیتی وی را با ضرب و شتم شدید دستگیر کرده اند، را بازداشت کرده بودند. دو نفر اولی را فردای آنروز آزاد کردند ولی کامیار فکور را بعد از ظهر ۲۷ اسفند، پس از ده روز، به قید وثیقه ۳۰۰ میلیون تومانی آزاد شد. عبارتی هر قدر پیشروی بازنشستگان را شاهدیم، فشار حاکمیت مستبد را نیز نظاره گریم که باز در دوره اخیر فروردین ماه با حمله به منزل اسماعیل گرامی بازنشسته شناخته شده به بازداشت وی منتهی گردید و در هفته قبل نیز تهاجم به اجتماع شهر رشت و انداختن گاز فلفل به جمع معترضین را نیز شاهدیم. در تهران نیز به یکی از زنان در تجمع بزرگ حمله ور شدند و او را مورد ضرب و شتم قرار دادند. جدا از این در درون خود سازمان تامین اجتماعی، سیاست سرکوبگرانه حاکمیت شروع شده به آزار کارگرانی که سابقه کارگری دارند و جزء سازمانگران حرکت ها هستند، ابتداء شناسایی شده و مرتبا احضارشان می نمایند تا آنها را به دست اندازهای اداری بیندازند.

نکته بغایت مهم اعتراضات یک ماه اخیر بازنشستگان در سراسر کشور نشان می دهد، وابستگی کانون های نوکیسه به سیاست های رژیم علنی تر شده و این دامن نفوذ آنها را در نزد بازنشستگان مستقل خیلی کم کرده است. چرا که این جماعت در دفاع از سالاری- دولت - سازمان تامین اجتماعی و نوبخت دروغ پخش نمودند که همسان سازی صورت گرفته و در حقوق فروردین ماه اعمال شده و حداقل حقوق به چهار میلیون و دویست هزار تومان برای حداقل بگیرها رسیده است و میانه بگیرها به بالای هفت میلیون و بالا بگیرها به ده میلیون میرسد. تمام این حرفها دروغ بوده و موجی از انزجار را در بین بازنشستگان برانگیخته است. در این میان برای بازنشسته های تامین اجتماعی ثابت شده که این حرف ها دروغ بوده و اینها نمی خواهند پولی به بازنشسته ها بدهند. بدین ترتیب روشن شد که سازمان بازنشستگی ابزارهای حقوق بگیر سازمان تامین اجتماعی و خود فروخته اند. این جماعت در سال گذشته تلاش کردند که علیرغم میل خود به خیابان بیایند تا بتوانند حرکت های موجود خیابانی را جمع و کنترل آنها را در دست خود بگیرند تا بتوانند مهار حرکات سریالی به عهده گیرند که موفق نشدند. در سال جدید این پدیده کاملا شکست خورده است. بنابراین حرکت های سریالی بازنشستگان باعث بی اعتباری کانون های بازنشستگی و شکست آنها در مصادره نارضایتی و مهار حرکت های بازنشستگان مستقل شده و می توان

باصراحت گفت: نقش گرایش‌های غیرحکومتی که از جناح‌های رژیم مستقل عمل نمایند در فراخوان‌های اعتراضی که بازنشستگان می‌دهند، بغایت برجسته شده است.

درعین حال و درست درچنین شرایطی با وجود شکاف‌هایی که بین جناح‌های مختلف بازنشستگان است، مانع این نشده است که آنها جدا از هم عمل نکنند. می‌توان گفت: گرایش به اتحاد دربین صفوف بازنشستگان از گذشته بیشتر شده است. این گرایش حول دو پایه یکی اجرای مطالبه ماده قانون ۹۶ تامین اجتماعی و آن دیگری حقوق برپایه تورم صورت گیرد.

ماده ۹۶ قانون تامین اجتماعی هم می‌گوید: سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری‌های بازنشستگی، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان را در فواصل زمانی که حداکثر از سالی یکبار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی با تصویب هیات وزیران به همان نسبت افزایش دهد. هر چند این دو محور که پایه اجماع گروه‌های بازنشستگان محسوب می‌گردد نه دقیق و نه کافی به نظر نمی‌رسند ولی لازم اند.

کافی نیستند بدین معنی که نرخ اعلام شده بانک مرکزی، نرخ واقعی نیستند و نکته بعدی اینکه اجرای همین ماده ۹۶ در واقع از دولت و تصویب هیات وزیران خواسته می‌شود. تحقق این امر در شرایط فعلی با توجه به ورشکستگی مفرط بحران اقتصادی در اساس محلی از اعراب ندارد.

**درست درپیچ و خم چنین اوضاع نابسامانی، ما به جانب اعتراض سراسری بازنشستگان و سردادن آزادی اسماعیل گرامی و دیگر زندانیان سیاسی و طرح دیگر مطالبات آنها در یکشنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۰ می‌رویم!**

=====

**روز شمار کارگری هفته شماره های ۳ و ۲ را از سایت**

**روز شمار کارگری، لینک زیر می‌توانید دنبال کنید!**

<http://karegari.com/maghalat/2021/04/17/Roozshomar%20kargarI%202,3%20AmiR.pdf>

